

(مقاله پژوهشی)

رابطه اخلاق حرفه‌ای با اعتماد آفرینی در میان اعضای هیات علمی

مهناز قائمی، دکتر مهدی شریعتمداری*

گروه مدیریت آموزشی و آموزش عالی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

(تاریخ دریافت: 95/10/14، تاریخ پذیرش: 95/12/16)

چکیده

زمینه: برخورداری و رعایت استانداردهای اخلاق حرفه‌ای از سوی اعضای هیات علمی می‌تواند در افزایش اعتماد آفرینی ایشان نقش مهمی داشته باشد. بر همین اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی دیدگاه اساتید نسبت به نوع و میزان رابطه مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای و اعتماد آفرینی اعضای هیات علمی دانشگاه انجام گردیده است.

روش: روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل 410 نفر اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران بوده که از این تعداد، 196 نفر به روش تصادفی ساده به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌های پژوهش از دو پرسشنامه محقق ساخته اخلاق حرفه‌ای و اعتماد آفرینی استفاده شد. داده‌های تحقیق پس از جمع‌آوری با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج بررسی دیدگاه‌های اساتید در این تحقیق نشان داده است که بین دو متغیر اخلاق حرفه‌ای و مؤلفه‌های آن، با اعتماد آفرینی اعضای هیات علمی رابطه مستقیم معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری: توجه به استانداردهای اخلاق حرفه‌ای اعضای هیات علمی می‌تواند یکی از راهبردهای اساسی جهت افزایش اعتماد آفرینی آنان در محیط‌های دانشگاهی باشد.

کلید واژگان: اخلاق حرفه‌ای، اعتماد، اعتماد آفرینی، اعضای هیات علمی**سر آغاز**

آموزشی جامعه با توجه به اینکه تربیت یافتگان آن، خود متولی آموزش نسل‌های بعدی می‌شوند از نقش ویژه‌ای در جوامع مختلف برخوردارند. این جایگاه والا باعث می‌شود که مقوله اخلاق حرفه‌ای در این سازمان‌ها مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران عرصه‌های دینی، فرهنگی و اخلاقی جوامع مختلف قرار گیرد(3).

یکی از سازمان‌هایی که در هر جامعه‌ای از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردارند، سازمان‌های وابسته به آموزش عالی² و به‌خصوص دانشگاه‌ها می‌باشند که خود از زیر مجموعه‌های این حوزه‌اند. این حوزه شرایط مناسبی برای بروز مشکلات اخلاقی دارد. در سال‌های اخیر رویه‌های پذیرش دانشجو و موضوعات اخلاقی پیش آمده از جمله عدم توجه به دانشجویان و مادی

زندگی بشری‌اند، به وضع و ایجاد یکسری قوانین و دستورالعمل‌های اخلاقی می‌پردازد(1). اخلاق حرفه‌ای علم ارزشی است و این امر موجب تعادل و توافق دو بعد مادی و غیرمادی انسان می‌گردد. حاکمیت اخلاق حرفه‌ای در هر سازمانی قادر است به میزان بسیار چشم‌گیری آن سازمان را در جهت کاهش تنش‌ها و موفقیت در تحقق اثربخش اهداف آن یاری نماید و سازمان را پاسخگو سازد. امروزه داشتن اخلاق حرفه‌ای به‌عنوان یک مزیت رقابتی در سازمان‌ها مطرح می‌باشد(2).

آموزش و نقش با اهمیت آن در تعالی انسان‌ها و نیز شکل‌گیری تمدن‌های بشری بر هیچ کس پوشیده نیست. در این بین مراکز

* نویسنده مسؤل: نشانی الکترونیکی: mehdishariatmadari@yahoo.com

ایجاد کارکنانی بی‌انگیزه و بی‌تفاوت می‌شود و اجرای کند برنامه‌ها را سبب می‌گردد(7). روابط اعتماد در هر سازمانی براساس وابستگی متقابل افراد به یکدیگر ساخته می‌شود. اعتماد عهد و پیمانی ظریف میان اعضاء سازمانی است که رفتارهای فردی، علایق و نظم گروهی خود را در صحنه‌های اجتماعی هماهنگ می‌کنند. افرادی که با تشریک مساعی کار می‌کنند تک روی‌های خود را کاهش داده، جو سازمانی را برای ایجاد یک رویکرد تیمی تغییر می‌دهند و موجبات توسعه اعتماد به یکدیگر را فراهم می‌آورند(8).

در دنیای معاصر انتظار می‌رود علم، مشکلات پیش رو و آینده انسان‌ها و جوامع را حل و فصل نماید. اجتماعات علمی با داوری در مورد هنجارهای حرفه‌ای⁵ و اخلاق علمی⁶ در بین اعضای خود تلاش می‌کنند تا علم را در مسیر خدمت رسانی به بشریت تقویت نمایند. بر این اساس در محیط‌های علمی اصول اخلاقی زندگی علمی مورد توجه قرار گرفته و رعایت فضائل اخلاقی به‌عنوان معیار کنش علمی بیش از پیش مورد تأکید قرار می‌گیرد(9). بر این اساس ضروری است افرادی که در تعلیم و آموزش افراد جامعه نقش دارند، ابتدا وظایف اخلاقی مرتبط با حرفه خود را بشناسند تا مسئولیت‌های شغلی خود را بدون نیاز به هرگونه ناظر خارجی به خوبی انجام دهند، سپس متوجه باشند که در جایگاه شغلی خود وظیفه تربیت اخلاقی افراد را هم به عهده دارند و لذا برای انجام این وظیفه، خود باید ملتزم به اخلاق عملی باشند. ارتباط صحیح و اخلاقی بین اساتید و دانشجویان، اساتید و دیگر همکاران، اساتید و جامعه خارج دانشگاه و حتی رفتار ایشان نسبت به خود موجب می‌گردد که دانشجویان الگویی شایسته و قابل اعتماد در برابر خود داشته و بدین ترتیب نظام آموزش عالی به هدف اصلی خود که همانا تربیت انسان‌های متعهد و متخصص برای رشد و توسعه آینده جامعه می‌باشد نائل شود. این افراد باید به رؤسای خود، همکاران و دانشجویان اعتماد کنند. اعتماد باور استادان به قابلیت‌های جمعی را در پی خواهد داشت و موجب خودکارآمدی آنان خواهد شد. در حال تحولات گسترده عصر حاضر واقعیتی غیرقابل انکار است و همسویی با این دگرگونی‌ها برای سازمان‌ها راهی جز تغییر در شیوه اندیشیدن، نگرش، ادراک و عملکرد باقی

شدن بیش از اندازه آموزش عالی باعث شده قوانین تدوین شده نتواند پاسخگوی مشکلات باشد(3). نظام آموزش عالی پدیده‌ای است هدفمند که می‌بایست در دو بعد کمی و کیفی و به موازات هم دارای رشد متعادل و موزون باشد. یکی از عوامل مهم و اصلی ساختار آموزش عالی هر کشوری اعضاء هیات علمی³ دانشگاه‌های آن کشور است و هرگونه افت در عملکرد این قشر از اعضاء جامعه به صورت مستقیم بر عملکرد نظام آموزش عالی تاثیرگذار خواهد بود (4). با توجه به این مسأله که رسالت و کارکرد اساسی دانشگاه شامل آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز جامعه و فراهم نمودن زمینه مساعد برای رشد و توسعه پایدار کشور است، اعضای هیات علمی به مثابه مهم‌ترین عامل تاثیرگذار در دستیابی به این هدف مهم محسوب می‌شوند(5). به عبارت دیگر اعضای هیات علمی متخصص و با انگیزه قادرند دانشجویانی توانمند و دانشگاهی موفق را پدید آورند و بنابراین مطلوب است دانشگاهها در راستای توسعه اخلاق حرفه‌ای اعضای هیات علمی خود گام‌های اساسی برداشته و به صورت برنامه‌ریزی شده‌ای رشد و ارتقاء همه جانبه ایشان را فراهم آورند(5) و به این ترتیب باعث ایجاد حس اعتماد⁴ نسبت به آنها گردند. اعتماد انتظاری است مبنی بر این که کارکنان دیگر به خود اجازه ندهند در زمانی که دیگران آسیب پذیر هستند ضرر و زبانی به آنها وارد نمایند. این مفهوم یکی از پایه‌ها و عناصر کلیدی است که می‌تواند با توسعه فرهنگ یادگیری، خلق و تسهیم دانش، باعث موفقیت و پیشرفت یک سازمان یا موسسه علمی و به دنبال آن رشد و توسعه یک کشور گردد. توجه به مفهوم اعتماد در خلال سالهای 1980 شروع به رشد کرد. با گسترش پدیده جهانی سازی، اهمیت اعتماد در روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و سازمانی به‌طور چشمگیری افزایش یافته، به‌طوری که اکثر صاحب‌نظران در علوم مختلف به اهمیت نقش اعتماد در سازمان‌ها اشاره کرده‌اند که این مورد برای موفقیت سازمانی، انجام تغییرات مداوم در نقشها و تکنولوژی‌ها و همچنین طراحی مشاغل و مسئولیت‌ها ضروری می‌باشد(6). احساس اعتماد در سازمان، روابط بین اعضاء و سازمان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. افول اعتماد در سازمان‌های دولتی یکی از مسائلی است که باعث

حیطه اخلاق پژوهشی⁹ شامل رعایت هنجارها و ارزش‌هایی است که باید در فرآیند طراحی و اجرای پژوهش و بهره‌مندی از نتیجه‌های پژوهش رعایت شوند(12).

معیارها و ضوابط اخلاق دانشجویی¹⁰ حافظ حقوق فردی و گروهی و شأن فراگیران علم و دانش پژوهی است. رفتار شرافتمندانه و توأم با احترام، حساس بودن به وقت و هزینه‌هایی که دانشجو برای یادگیری اختصاص می‌دهد، درستکاری در انجام تکلیف‌ها و تلاش‌های علمی، رعایت آئین نامه‌های انضباطی¹¹ و فرهنگی دانشگاه از جمله ضوابطی هستند که به حفظ سلامت انسانی و رشد اخلاق حرفه‌ای دانشجویان کمک می‌کنند(12).

اعتماد مفهومی پیچیده و چندوجهی است و در واقع، بیشتر هنر است تا علم؛ و ایجاد آن بسیار دشوار و از دست دادن آن آسان است. اعتمادسازی نیز امر کم‌اهمیتی نیست و آن را باید به‌صورت رفتاری مستمر و مداوم تقویت کرد. برای اعتمادسازی هیچ فرمول ساده‌ای وجود ندارد. این امر به رفتار اخلاقی مداوم و مستمر نیاز دارد؛ درحالی‌که با یک اشتباه ممکن است تخریب شود. یک حادثه منفی می‌تواند بیشتر تخریب‌کننده باشد تا حادثه مثبت که بتواند آن را ایجاد کند. یافته‌های مطالعات نشان می‌دهد که فرایندهای مرتبط با بحث اعتماد نیاز به بسط و بررسی دارد. افراد ممکن است به آسانی به اعتماد طرف مقابل صدمه بزنند. اعتماد باید به دست آید و در طول زمان توسعه پیدا کند. پس ایجاد و نگهداری اعتماد خیلی ساده یا سریع نیست بلکه نیازمند یک فرایند رو به رشد است. برای ایجاد اعتماد باید مراحل زیر انجام شوند(13):

گام اول: فرهنگسازی ایجاد و توسعه اعتماد در سازمان، این مرحله، نیازمند ایجاد یک فرهنگ بر مبنای ارزش‌های مشترک در بین کارکنان است که به آن معتقد باشند. اعتماد دو طرفه¹³ در محیطی می‌تواند توسعه پیدا کند که در آن ارزش‌های مشترک، صداقت و انسجام، پایه و اساس اعتماد در بین افراد قلمداد می‌شوند. اگر فرهنگ سازمان با ارزش‌های سازمان در تعارض باشد اعتماد در آن به سمت نابودی خواهد رفت(13).

گام دوم: رهبری، رهبری یک مفهوم اعتماد دوطرفه بر مبنای ارزش‌ها و دید مشترک است. اگر ارزش‌ها و دید مشترک نباشند،

نگذاشته است. در این میان اعضاء هیات علمی می‌توانند با تکیه بر باورها و ادراکات اعتماد در پیشبرد علم و دانش و به‌طورکلی حصول اهداف علمی مؤثر واقع گردند(10).

اخلاق در آموزش عالی با مشخص کردن حدود و ثغور رفتارهای مناسب و نامناسب و هدایت مدیران و هیات علمی در اجرای مسئولیت‌های حرفه‌ای، ذینفع‌های گوناگون آموزش عالی را حمایت می‌کند. به‌طورکلی، بازیگران اصلی دانشگاهها عبارت از مدیران و مسئولان دانشگاه، اعضاء هیات علمی و دانشجویان هستند، و مأموریت‌های آموزشی، پژوهشی، کارآفرینی، فرهنگی و خدمات اجتماعی دانشگاه توسط این اعضا به انجام می‌رسد. اساس اخلاق در آموزش عالی، ادراک جمعی دانشگاهیان از مسئولیت حرفه‌ای شان است. به عبارت دیگر، جامعه دانشگاهی تنها با ادراک صحیح فعالیت‌های حرفه‌ای خویش، فلسفه وجودی این فعالیت‌ها و مسئولیت‌های حرفه‌ای در قبال مردم و جامعه است که به ادراک اخلاقی عمیق در حوزه آموزش عالی نایل می‌شود و در ارتباط با رسالت‌های اصلی خود و دانشگاه خویش، آموزش، پژوهش و کارآفرینی و همچنین در مناسبات شان با همکاران، دانشجویان و سایر ذی‌نفعان اجتماعی، به نوعی احساس درونی از تعهد و پایبندی به اصول و ارزش‌های اخلاقی حاکم بر حوزه آموزش عالی دست می‌یابد(11). با توجه به نظرات مطرح شده در ضابط‌های اخلاقی دانشگاه‌های برتر، می‌توان ضوابط اخلاقی در آموزش عالی را به چهار دسته مدیریتی، آموزشی، پژوهشی و دانشجویی تقسیم کرد.

اخلاق مدیریتی⁷ مدیران آموزش عالی به این موضوع می‌پردازد که مدیران نه تنها مسئولیت رفتار خود را برعهده دارند، بلکه پاسخگوی چگونگی برخورد با تخلفات اخلاقی دیگران در سازمان نیز هستند(12).

ضوابط و ارزش‌های اخلاق آموزشی⁸ و یادگیری به این امر کمک می‌کند که حقوق دانشجویان در برخورداری از بهترین آموزش‌ها و شأن یادگیری از یک طرف و شأن و جایگاه علم و علم آموزی از طرف دیگر رعایت شود. این ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی مرتبط با آنها به طور معمول مورد توجه اعضاء هیات علمی علاقه مند به علم، آموزش و یادگیری قرار گرفته و از سوی آنها مورد حمایت قرار می‌گیرد(11).

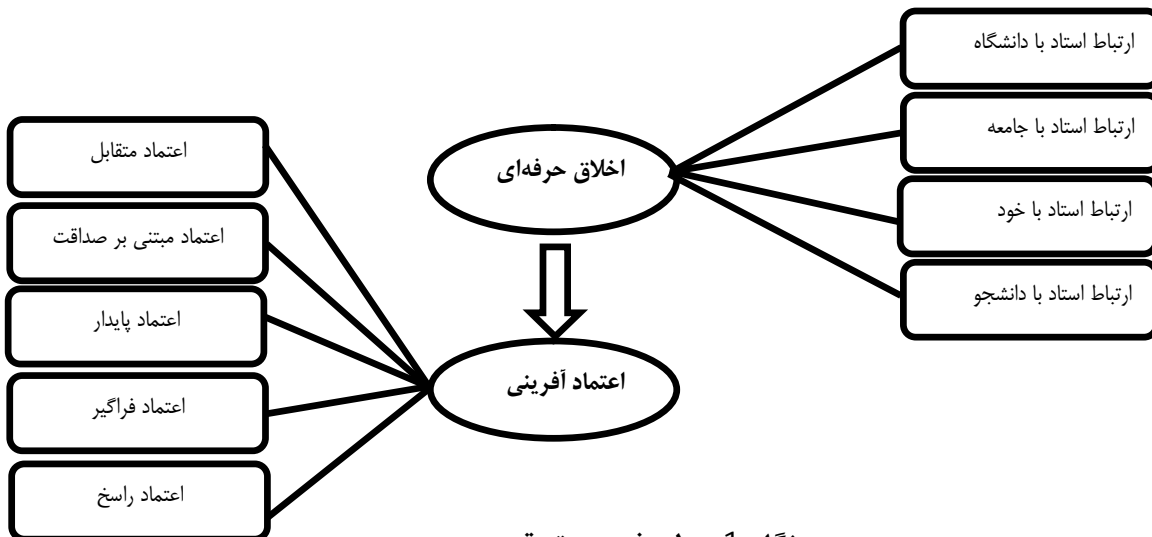
براین اساس، از آنجایی که مبحث اعتماد و بی‌اعتمادی از اساسی‌ترین اصول اخلاق حرفه‌ای است و نیز با توجه به اینکه رفتار سازمانی نوین با پیچیدگی‌هایی روز افزون مواجه است، آشنایی بیشتر مدیران و کارکنان سازمان‌ها با این پیچیدگی‌ها و شناختن راهکارهای مناسب برای مقابله با آنها ضروری است. پی‌ریزی، حفظ و ارتقای سطح اعتماد در روابط کاری و تجاری امروز سنگ بنای موفقیت سازمانها و شرکت‌ها در قرن بیست و یکم به حساب می‌آید. مدیریت بر مبنای اعتماد راهکارهایی را به‌دست می‌دهند که می‌توان با کمک آن جایگاه شایسته‌ای را در بازار رقابتی امروز برای جلب، جذب و نگهداری مشتری به‌دست آورد. در تمام حوزه‌های کاری درجه‌ای از اعتماد در روابط بین طرفین به چشم می‌خورد و اعتماد نقشی کلیدی را در توسعه همکاری‌های اثربخش ایفا می‌کند و این امر در محیط‌های آموزشی توجه مضاعفی را می‌طلبد. بر همین اساس این مقاله در صدد است طی پژوهشی به عمل آمده رابطه میان دو متغیر اخلاق حرفه‌ای با اعتماد آفرینی را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

در این تحقیق اخلاق حرفه‌ای به‌عنوان متغیر مستقل و اعتماد آفرینی به‌عنوان متغیر وابسته مورد مطالعه قرار گرفته است. از آنجا که محیط‌های آموزشی و بالخصوص دانشگاه‌ها، وظیفه خطیر در جهت تربیت افراد و رشد و توسعه جامعه ایفا می‌کنند، ضرورت رعایت اخلاق حرفه‌ای هیات علمی به خاطر تأثیرگذاری

رهبر باید از کنترل تحمیلی خارجی، قوانین محدودکننده و دست و پاگیر و رسمیت زیاد استفاده کند. اگر یک سازمان بر مبنای ارزش‌های مشترک ایجاد شده باشد، کارکنان بیشتر به آن متعهد خواهند شد؛ تا جایی که معتقد می‌شوند که اهداف سازمان راهی برای رسیدن به اهداف خودشان است. مدیریت در اینجا به کنترل نیازی ندارد؛ بلکه نیازمند رهبری از طریق راهنمایی، حمایت و هدایت است (13).

گام سوم: ایجاد ارتباطات مدیریت و کارکنان، در رابطه با ایجاد یک فرهنگ بر مبنای ارزش‌های مشترک و توانمند کردن کارکنان، به ایجاد ارتباطات با زیر بنای صداقت، انسجام و توجه واقعی به افراد و دیگران متعهد می‌شوند. برای ایجاد اعتماد درون سازمان، اعضاء باید در برقراری ارتباطات صادقانه با همکاران و مدیریت در محیط سازمان، احساس امنیت کنند، به هر حال توسعه اعتماد نیازمند این است که مدیریت و کارکنان هر دو، از انتظارات یکدیگر آگاه باشند و خود را برای ساختن محیط آکنده از اعتماد مسئول بدانند (13).

شیوه‌های اعتمادسازی: الف) اعتماد مبتنی بر خصیصه‌های شخصی: از راه ویژگی‌های شخصی، مانند نژاد، جنسیت و پیشینه خانوادگی ایجاد می‌شود. ب) اعتماد مبتنی بر فرایند: از طریق مبادله‌های مکرر ایجاد می‌شود و بدین ترتیب در گذر زمان ظهور می‌کند. ج) اعتماد نهادی: از راه نهادهایی ایجاد می‌شود که به واقعیت‌های اجتماعی پذیرفته شده‌اند و بنابراین، به‌ندرت زیر سؤال می‌روند (14).



نگاره 1: مدل مفهومی تحقیق

تا 50 سال و 34/7 درصد در گروه سنی بیشتر از 50 سال قرار دارند. 19/4 درصد از اعضای هیات علمی دارای مرتبه علمی مربی، 51 درصد استادیار، 18/4 درصد دانشیار و 9/7 درصد استاد بوده اند. 77 درصد اعضای هیات علمی دانشگاه علم و صنعت از نمونه آماری مورد مطالعه دارای مدرک تحصیلی دکترا، 18/4 درصد کارشناسی ارشد و 2/6 درصد کارشناسی بوده اند.

ابزار مورد استفاده پرسشنامه‌ای محقق ساخته در طیف پنج گزینه‌ای لیکرت، بود. به این منظور جهت سنجش متغیر اخلاق حرفه‌ای و نیز متغیر اعتمادآفرینی از پرسشنامه‌های محقق ساخته استفاده گردید که روایی و پایایی آنها بررسی و اثبات گردید. میزان ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه اخلاق حرفه‌ای 0/968 و پرسشنامه اعتمادآفرینی 0/974 و کل پرسشنامه 0/983 به دست آمد.

برای تجزیه و تحلیل و توصیف داده‌ها و تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها از نرم افزارهای Excel 2010 و Spss 22 و با استفاده از جدول‌های فراوانی و نمودارهای ستونی و روش‌های آماری شامل: فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و چولگی، توصیفی از وضعیت شاخص‌های دموگرافیک و فرضیات تحقیق ارائه شده است. جهت مشاهده وضعیت هر کدام از متغیرهای تحقیق از نظر توزیع، از آزمون کولموگروف اسمیرنوف (K-S) و برای سنجش روابط موجود در فرضیه‌های اصلی و فرعی از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده گردید. شرط استفاده از این ضریب که زیر مجموعه‌ای از آماره‌های ناپارامتریک است این است که توزیع همه متغیرهای مستقل و وابسته غیرنرمال باشد و در نهایت یافته‌های جانبی حاصل از اطلاعات جمعیت شناختی پرسشنامه‌ها با آزمون‌های من ویتنی و کروسکال والیس مورد بررسی واقع گردید.

یافته‌ها

متغیرهای مورد نظر در اخلاق حرفه‌ای که براساس شاخص‌های آمار توصیفی مورد بررسی قرار گرفته اند در جدول 1 نشان داده شده است. با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای تمامی متغیرها کمتر از 0/05 می‌باشد بنابراین

شگرف بر روی دانشجویان که اداره امور کشور را در ابعاد مختلف به دست خواهند گرفت مضاعف است. بنابر پژوهشی که در این زمینه در رابطه با مشخص کردن مهم‌ترین مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای¹⁴ اساتید توسط فرزانه صورت گرفته است (15)، مهم‌ترین مؤلفه‌ها «ارتباط استاد با دانشجو، ارتباط استاد با جامعه، ارتباط استاد با خود، ارتباط استاد با دانشگاه» مشخص گردیده است که در این تحقیق نیز بدان استناد می‌گردد. همچنین از عوامل مهمی که می‌تواند به برقراری یک ارتباط خوب و سازنده کمک کند اعتماد آفرینی است. خلق اعتماد در محیط سازمان‌ها ایجاد اطمینان و احساس امنیت است. سازمان محتاج اعتماد آفرینی در همه عناصر محیط است و شامل پنج مؤلفه اعتماد راسخ، اعتماد مبتنی بر صداقت، اعتماد فراگیر، اعتماد پایدار و اعتماد متقابل است (16). براین اساس مدل مفهومی تحقیق به صورت نگاره 1 مشخص می‌گردد.

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. نحوه گردآوری اطلاعات، کمی و از نوع میدانی است که از طریق پرسشنامه انجام می‌گیرد. جامعه آماری در نظر گرفته شده شامل کلیه اعضای هیات علمی دانشگاه علم و صنعت ایران در سال تحصیلی 95-1394 می‌باشد که شامل 410 نفر می‌باشد. براساس جدول کرجسی مورگان حجم نمونه برای جامعه مذکور 196 نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده است.

روش نمونه‌گیری، تصادفی ساده می‌باشد. از کل جمعیت 196 نفری نمونه آماری مورد مطالعه، اعضای هیات علمی مرد در تکمیل پرسشنامه با 86/2 درصد در مقایسه با 13/3 درصد پاسخ دهندگان زن، مشارکت بیشتری داشته اند. 20/9 درصد از اعضای هیات علمی دارای سابقه کار تا 5 سال، 24/5 درصد دارای سابقه 5 تا 10 سال، 11/2 درصد دارای سابقه 10 تا 15 سال، 11/7 درصد دارای سابقه 15 تا 20 سال، 9/7 درصد دارای سابقه 20 تا 25 سال، و 21/4 درصد دارای سابقه بیش از 25 سال بوده اند. از نمونه بررسی شده 40/3 درصد از اعضای هیات علمی در گروه سنی 30 تا 40 سال، 24/5 درصد گروه سنی 40

فرض صفر که نرمال بودن متغیرهاست رد می‌شود و به دنبال اثبات غیرنرمال بودن متغیرها از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده می‌گردد. (جدول 2)

جدول 1: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	کمترین داده	بیشترین داده	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی
اخلاق حرفه‌ای	ارتباط استاد با دانشجو	0/75	5	2/09	1/24	1/285	0/141
	ارتباط استاد با دانشگاه	1	5	2/08	1/35	1/225	-0/066
	ارتباط استاد با خود	0/75	5	2/02	1/45	1/275	-0/096
	ارتباط استاد با جامعه	1	5	2/17	1/20	1/167	0/074
	اخلاق حرفه‌ای	1	5	2/09	1/28	1/288	0/021
اعتماد آفرینی	اعتماد راسخ	0	5	2/16	1/27	1/009	-0/329
	اعتماد مبتنی بر صداقت	0	5	2/13	1/35	1/117	-0/222
	اعتماد فراگیر	0	5	2/09	1/24	1/171	0/073
	اعتماد پایدار	0	5	2/10	1/38	1/175	-0/165
	اعتماد متقابل	0	5	2/08	1/29	1/090	-0/091
اعتماد آفرینی	0	5	2/11	1/27	1/201	-0/088	

جدول 2: آزمون کلموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمالیتی متغیرهای پژوهش

متغیرها	کلموگروف اسمیرنوف	سطح معناداری
ارتباط استاد با دانشجو	3/891	0/000
ارتباط استاد با دانشگاه	3/831	0/000
ارتباط استاد با خود	3/850	0/000
ارتباط استاد با جامعه	3/767	0/000
اخلاق حرفه‌ای	3/810	0/000
اعتماد آفرینی	3/563	0/000

جدول 3: آزمون همبستگی اسپیرمن برای بررسی فرضیه‌های پژوهش

متغیر مستقل	متغیر وابسته	sig	ضریب همبستگی
ارتباط استاد با دانشجو	اعتماد آفرینی	0/000	0/785
ارتباط استاد با دانشگاه	اعتماد آفرینی	0/000	0/761
ارتباط استاد با خود	اعتماد آفرینی	0/000	0/775
ارتباط استاد با جامعه	اعتماد آفرینی	0/000	0/788
اخلاق حرفه‌ای	اعتماد آفرینی	0/000	0/834

بنابراین در ارتباط با رابطه بین متغیرها، کلیه فرضیه‌ها تایید می‌گردد و بالا بودن میزان ضریب همبستگی نشان دهنده رابطه مطلوب بین دو متغیر می‌باشد و نیز مثبت بودن آن نشان دهنده

میزان سطح معناداری کمتر از 0/01، فرضیه صفر را رد و فرض محقق را تایید می‌کند. بنابر جدول شماره 3 این میزان برای کلیه مؤلفه‌های مربوط به متغیر مستقل کمتر از مقدار ذکر شده است،

اعتماد آفرینی نیز بهبود می‌یابد. کارآمدی آموزشی و تعامل کاری حرفه ای¹⁷ دو مقوله مهمی است که اساتید می‌بایست در یک محیط آموزشی مدنظر داشته باشند و این دو حاصل نمی‌شود مگر اینکه جوی سرشار از اعتماد چه مابین اساتید و دانشجویان و چه اساتید و دیگر همکاران در یک محیط آموزشی حاکم باشد و در یک اعتماد متقابل و دو طرفه است که یک محیط آموزشی می‌تواند به اهداف خود دست پیدا کند.

افزایش ارتباط اعضا هیات علمی با جامعه، نیز باعث بهبود اعتماد آفرینی می‌گردد. اساتید با قانونمداری و پایبندی به وظایف شهروندی و هنجارهای جامعه می‌توانند دید مثبت جامعه را نسبت به خود برانگیزند. برای کمک به آفرینش اعتماد جامعه، باید با آن هماهنگ بوده و با به روز رسانی خود همراه با تغییرات آن و نیز کمک به حل مشکلات و نیازمندی‌های جامعه در جهت مستحکم تر کردن این ارتباط تلاش نمود.

در برخی پژوهش‌ها نیز بر دانش استاد، ایجاد اعتماد، اطمینان و احترام متقابل برای ارتقای برقراری ارتباطات تأکید شده است (20). محققان دیگری نیز طی پژوهش‌های خود تمایل متوسط دانشجویان را مبنی بر اعتماد استاد به دانشجوی و همین طور نگرش متوسط آنان را در خصوص متغیر حمایت استاد از دانشجوی به اثبات رسانده‌اند. همچنین روابط دانشجویان با اساتید خود در چند دانشگاه مورد بررسی قرار گرفته و با توجه به پایین بودن میزان این ارتباط، وجود تفاوت معنادار موجود در این ارتباط در دانشگاه‌های مختلف تأیید گردید (21). در این رابطه باید اذعان داشت که اگر استاد شناخت کافی از دانشجوی نداشته باشد در انتقال دروس موفق نخواهد بود همان‌طور که اگر دانشجوی به استاد اعتماد کافی نداشته باشد اهداف تحصیلی او محقق نخواهد شد. رابطه خوب بین استاد و دانشجوی یک مهارت است که طرفین باید این مهارت را کسب نمایند در غیر این صورت رابطه‌ای به‌وجود نمی‌آید و یا رابطه‌ای بسیار ضعیف ایجاد خواهد شد.

به دنبال تکمیل بحث فوق و نیز در جهت ارتقاء اعتماد آفرینی در جامعه دانشگاهی می‌توان با برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های علمی جهت رشد و توسعه توانایی‌های علمی و به روز سازی دانش اساتید جهت افزایش و ارتقاء رشد شخصیتی و علمی آنها

رابطه مستقیم دو متغیر است. یعنی با افزایش ارتباط استاد با دانشجو، ارتباط استاد با دانشگاه، ارتباط استاد با خود، ارتباط استاد با جامعه میزان اعتماد آفرینی نیز افزایش می‌یابد و در کل با ارتقاء اخلاق حرفه‌ای در میان اعضاء هیات علمی اعتماد آفرینی نیز بهبود می‌یابد. همچنین طبق برآوردهای آماری بالاترین میزان همبستگی بین متغیرها در رابطه اخلاق حرفه‌ای و اعتماد آفرینی، مربوط به ارتباط استاد با جامعه و اعتماد آفرینی و کمترین آن مربوط به ارتباط استاد با دانشجو و اعتماد آفرینی می‌باشد.

بحث

طبق برآوردهای آماری بالاترین میزان همبستگی بین متغیرها در رابطه اخلاق حرفه‌ای و اعتماد آفرینی مربوط به ارتباط استاد با جامعه و اعتماد آفرینی و کمترین آن مربوط به ارتباط استاد با دانشجو و اعتماد آفرینی می‌باشد. این فرضیه با دیدگاه برخی محققان همخوانی دارد (17). به اعتقاد آنها اعتماد آفرینی، موانع، عوامل و روش‌های مختلف دارد. همچنین آنها اعتماد آفرینی را مرهون پیش‌بینی‌پذیری¹⁵ فرد یا سازمان در مفهوم اخلاقی آن می‌دانند. پیش‌بینی‌پذیری خصلتی در سازمان است که محیط را بر پیش‌بینی عملکرد آن در خصوص استیفای کلیه حقوق خود توانا می‌سازد و نیز مسؤولیت‌پذیری و در پی آن قانون‌پذیری سبب پیش‌بینی‌پذیری می‌گردد و پیش‌بینی‌پذیری، اعتماد را ایجاد می‌کند. در پژوهش‌های دیگری نیز ارتباط این دو متغیر با یکدیگر در رشته‌های پزشکی و شرکت‌های بیمه به اثبات رسیده است (18) (19).

از آنجایی که داشتن روحیه انتقاد پذیری، توجه به رشد و تعالی روحی، توجه به آراستگی ظاهر به هنگام تدریس، داشتن سعه صدر، یادگیری روش‌های نوین تدریس، داشتن وجدان کاری و آمادگی کامل جهت تدریس از الزامات لازم جهت ارتقای شخصیت علمی و رشد تهذیب نفس در اساتید می‌باشد، این مسائل موجب می‌گردند که اعتماد مجموعه دانشگاهی نسبت به اساتید جلب گشته و با افزایش موارد فوق این اعتماد نیز فزونی یابد. همچنین با افزایش ارتباط اعضا هیات علمی با دانشگاه،

سازمان چه ارزش‌هایی را، چه موقع، باید حفظ و اشاعه نمود و نسبت به آن پای بند بود. در دنیای امروز توجه به ارزش‌های انسانی و تکیه بر مدیریت اخلاقی، یک نوع برتری رقابتی محسوب می‌شود (22). در مجموع از نتایج این تحقیق می‌توان استدلالت نمود که اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها می‌توانند در یک فضای اخلاقی مثبت با ارتقای شخصیت علمی و رشد و تهذیب نفس خویش، کارآمدی آموزشی، تعامل کاری حرفه‌ای، تعامل حرفه‌ای با دانشجوی، کمک به رشد فردی دانشجویان و قانون‌مداری و پایبندی به وظایف شهروندی خویش باعث ایجاد و ارتقاء حس اعتماد نسبت به خود و سازمان خود گشته و در نتیجه با آفرینش و افزایش اعتماد، دانشگاه‌ها را به سوی موفقیت هرچه بیشتر در داخل و خارج کشور سوق دهند.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این مقاله ملاحظات اخلاقی مانند سرقت ادبی، رضایت آگاهانه، انتشار چندگانه و ... مورد توجه قرار گرفته اند.

واژه‌نامه

1. Professional Ethics	اخلاق حرفه‌ای
2. Higher Education	آموزش عالی
3. Faculty Members	اعضاء هیات علمی
4. Trust	اعتماد
5. Professional norms	هنجارهای حرفه‌ای
6. Scientific Ethics	اخلاق علمی
7. Management Ethics	اخلاق مدیریتی
8. Educational Ethics	اخلاق آموزشی
9. Research Ethics	اخلاق پژوهشی
10. Student Ethics	اخلاق دانشجویی
11. Disciplinary Regulations	آئین‌نامه‌های انضباطی
12. Restore Confidence	اعتماد آفرینی
13. Mutual Trust	اعتماد دوطرفه
14. Components of Professional Ethics	مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای

و به دنبال آن کسب اعتماد مجموعه دانشگاهی تلاش نمود، همچنین قوانین و آیین‌نامه‌ها را در جهت منطقی سازی ارتقاء اعضای هیات علمی اصلاح نموده و ملاک‌های گزینش و جذب اعضای هیات علمی در دانشگاه‌ها را به سمت شایسته سالاری تصحیح نمود، این امر باعث می‌گردد دانشجویان به‌عنوان مؤثرترین مؤلفه‌های فعالیت اساتید، ترغیب گردند تا تلاش بیشتری در جهت انجام امور خود داشته باشند. بسترسازی مناسب جهت انجام فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی اساتید از سوی دانشگاه و وزارت علوم انجام گردیده و با ایجاد محیط رقابتی سالم و بدون تنش در دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی و نیز معرفی متخصصان زبده به دیگر اساتید در مجموعه دانشکده‌ها به تقویت ارتباط اساتید با دانشگاه پرداخت. از طرفی با برگزاری کرسی‌های آزاد اندیشی و تشویق اساتید جهت افزایش اطلاعات سیاسی و اقتصادی آنها و دادن مجوز بیان عقاید و دیدگاه‌های آنها بدون مقابله از سوی برخی گروه‌ها، ایجاد ساختارهای مناسب و حمایت از ارتباطات مؤثرتر دانشگاه با صنعت کشور و کوشش در جهت رفع موانع پیش‌رو در این زمینه و نیز تسهیل حضور اساتید در مجامع و انجمن‌های علمی، کنفرانس‌ها و همایش‌های ملی و بین‌المللی، باعث افزایش ارتباط استاد با جامعه و به دنبال آن افزایش اعتماد آفرینی در اعضای هیات علمی دانشگاه گردید.

نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر اخلاق حرفه‌ای یکی از موضوعات مهم و ضروری برای تمامی سازمان‌هاست. اخلاق سازمانی¹⁸ بر پایه اعتماد آفرینی است. ضعف در سیستم اخلاق و گرایش به سمت عدم اعتماد منجر به کاهش ارتباط و افزایش خسارات سازمانی می‌گردد و مدیریت به سمت کنترل گذشته نگر سوق پیدا خواهد کرد. به این ترتیب انرژی سازمان به منفی تبدیل می‌شود. از این رو، معرفتی که می‌تواند به‌عنوان کاتالیزوری برای عقلانی کردن سازمان مبتنی بر نگرش انسان‌گرایانه عمل کند، اخلاق حرفه‌ای است. اخلاق حرفه‌ای در حقیقت یک فرایند تفکر عقلایی است که هدف آن محقق کردن این امر است که در

10. Shavaran SHR, Rajaeipoor S, Kazemi E, Zamani E, (2012). Multiple relationships between trust and individual and collective faculty members. *The Journal of Research and Planning in Higher Education*; 64: 19-44. (In Persian).
11. Emanipoor M. (2012). Principles of professional ethics in education. *The Journal of Ethics and History of Medicine*; 5(6): 25-38. (In Persian).
12. Arasteh H R, Jahed H A. (2011). Observe ethics in universities and centers of higher education. *Science Cultivation Journal*; 1(2): 31-40. (In Persian).
13. Panahi B. (1998). Trust and confidence in the organization. *Pnh Journal*, 7(4): 88-103. (In Persian).
14. Alvani SM, Danaeifar H. (2001). Trust and the effects of confidence in the organization. *Management Knowledge*; 14(55): 5-28. (In Persian).
15. Farzaneh S. (2014). The most important components of professional ethics of professors from the perspective of faculty members, postgraduate students, and department heads of faculty of humanities, University of Guilan. *International Journal of Economy, Management and Social Sciences*; 3(12): 81-86. (In Persian).
16. Faramarz Gharamaleki A. (2009). The fundamental of professional ethics promoting at the university. *The Journal of Research Ethics*; 3: 9-24. (In Persian).
17. Hemati S. (2013). The relationship between Islamic ethics and the organizational trust and organizational commitment of Shiraz's exceptional education directors. [M.A thesis], Shiraz: Islamic Azad University, Department of Education and Psychology.
18. Shojae AA, Abolhasani Anaraki F. (2012). Trust realization in physician-patient relationship. *Iranian Journal of Medical Ethics and History of Medicine*; 5(5): 76-91. (In Persian).
19. Vazifeh-Doost H, Memarian SH. (2014). Examining the relationship between salespersons' ethical behavior with satisfaction, trust and loyalty of policyholders in life insurance. *Insurance Journal*; 29(1): 127-151. (In Persian).
15. Predictability پیش‌بینی‌پذیری
16. Islamic Ethics اخلاق اسلامی کار
17. Professional Interaction تعامل کاری حرفه‌ای
18. Organizational Ethics اخلاق سازمانی

References:

1. Ameli M. (2009). Theoretical approach to professional ethics. *The Journal of Research Ethics*; 1(4): 115-152. (In Persian).
2. Baykzad J, Sadeghi M, Kazemi Ghaleh R. (2010). Professional ethics inevitable necessity for today's organizations. *Age Management*; 4(16): 58-63. (In Persian).
3. Ghanbari S, Ardalan MR, Beheshtirad R, Soltanzadeh V. (2015). University staff members' ethics and relationship with quality in high education. *Ethics in Science and Technology*; 10(2): 39-49. (In Persian).
4. Alavi Langroodi K, Mardanian R. (2014). Model concepts and curriculum qualitative approaches in higher education. Tehran: First National Conference on Psychology and Educational Sciences. (In Persian).
5. Marzban F. (2011). The relationship between professional ethics and development with organizational commitment faculty members of Islamic Azad University of Marvdasht. [M.A thesis]. Marvdasht: Islamic Azad University, Faculty of Literature and Human Sciences.
6. Danayeifard H, Rajabzadeh A, Hasiri A. (2009). Promoting organizational trust in the government section. *Management Researches*; 2(4): 59-90. (In Persian).
7. Avatefimonfared E, Mehdad A, Mirjafari SA. (2012). The relationship between ethical leadership, psychological healthy workplace and organizational trust. *Ethics in Science and Technology*; 7(3), 1-9. (In Persian).
8. Bagheri M, Tavallaei R. (2011). The effect of organizational commitment on organizational performance. *The Journal of Police Human Development*; 7(30): 73-96. (In Persian).
9. Salajegheh A, Safari S. (2015). The relationship between professional ethics and function of professor. *Ethics in Science and Technology*; 10(3): 103-110. (In Persian).

20. Ghadami A, Salehi B, Sajjadi SH, Naji H. (2007) . Students' points of view regarding effective factors in establishing communication between students and faculty members. Iranian Journal of Medical Education;7(1): 149-154. (In Persian).
21. Ghaneirad MA. (2006). Interactive role of university students and professors in the development of social academic capital. The Journal of Iranian Sociology; 7(1): 3-29. (In Persian).
22. Sarmadi M R, Shalbfaf O (2007). Professional ethics in TQM. Ethics in Science and Technology; 3(4): 99-110. (In Persian).